واکاوی آرایه های ادبی در اشعار مَظلُوم خُنجِی

مهرداد روشن زاده[1]

چکیده

تاج الدین محمود خُنجِی ، یکی از شاعران مشهور در ادب پارسی است . اگر وی را ، در شمار یکی از شاعران بلند - آوازه ی ادب پارسی به شمار آورده اند اغراق ننموده ایم . مسلماً ، شهرت وی به واسطه ی غزلیات زیبا و در عین حال با سوز و گداز اوست . با تأمّل در اشعار او در می یابیم که باریک اندیشی ها ، تصویر آفرینی و به ویژه جلوه های زیبا شناختی دانش بدیع چشم گیر و قابل مطالعه است . تصویر آفرینی های خاص استاد مَظلُوم ، و کاربرد آرایه های لفظی و بدیع وی - که بسامد قابل تأمّلی را در برخی آرایه ها نشان می دهد – قابل اهمیت است . به نحوی که ، شاعر از ظرایف و دقایق ادبی به نحو اَحسن استفاده نموده است . بر این اساس نگارنده ، با بررسی نمونه هایی از شواهد شعری و مصادیق مُستخرج از دیوان در محور موضوع ، تحقیق و کاربردی نمودن اشعار مَدِّ نظر قرار گرفته است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژگان : مَظلُوم خُنجِی ، بدیع لفظی ، بدیع معنوی ، سیر شعر

۱. دانش آموخته کارشناسی پیوسته ، زبان و ادبیات فارسی ،دانشگاه فرهنگیان eshcat91@yahoo.com

۱. مقدمه

این جستار بر آن است ، آن گروه از آرایه های ادبی در دیوان تاج الدین محمود خُنجِی که بسیار پُر کاربرد هستند مورد واکاوی و بررسی شود . با مطالعه اشعار وی ، در می یابیم آرایه های ادبی ، در آثار و ا فکار شاعر نقش بارزی دارد . با وجود اهمیت بسیار کلام مَظلُوم خُنجِی ، هنوز تحقیق مستقل و جامعی در این خصوص انجام نشده است . مطلب دیگری که مؤید نوآوری این پژوهش است ، در کیفیت تطبیق مضامین موسیقی درونی و معنوی با شعر مَظلُوم ، أخذ و استخراج آنهاست ؛ در این مقاله نگارنده چگونگی تأثیر پذیری از آرایه های ادبی را با استناد به ستاره ی ادبیات پارسی، « مَظلُوم خُنجِی » تبیین می نمایند . هم چنین ، سعی در تفهیم اسرار مو قّفیت این شاعر ، گران سنگ در الهام از موسیقی درونی[۱] و موسیقی معنوی[۲] مورد واکاوی قرار دهند .

۲. بیان مسئله

مَظلُوم خُنجِی ، نیز با بهره گیری از موسیقی درونی و معنوی به تصویر زیبایی شاعرانه و مضامین حکمی پرداخته است . دریا فت دقایق حکمی آرایه های ادبی ، نیازمند نظریه های با توانش تأویلی کا فی است . مسأله تحقیق حاضر نمونه ای از تأثیر موسیقی درونی و معنوی در ادبیات فارسی است و این مسأله قابل تحلیل به دو عمده مسئله است .

۱. اهداف و زمینه های استفاده از آرایه های ادبی در شعر مَظلُوم خُنجِی چیست ؟
۲. شیوه و گونه های تأثیر پذیری از موسیقی ها چگونه است ؟
روش پاسخ به مسائل یاد شده ، تحلیل محتوایی همه ی اشعار تاج الدین محمود خُنجِی و واکاوی آرایه ها در شعر وی است .

۳. روش پژوهش

در این تحقیق که به شیوه ی توصیفی و تحلیلی انجام می گیرد ؛ ابتدا ، آرایه های ادبی موجود در دیوان تاج الدین محمود خُنجِی مشخص شده ؛ سپس ، این آرایه ها را به لحاظ انواع ، اشکال و نیز لفظی و معنوی بودنشان بررسی خواهد شد . و در پایان با مشخص کردن بسامد تجزیه و تحلیل مباحث ، نتیجه ارائه می گردد .

۴. پیشینه پژوهش

با اینکه تاج الدین محمود معروف به مَظلُوم خُنجی ، شاعر بزرگ و ارزشمندی است ؛ اما ، در زمان ما کمتر تحقیق اساسی درباره ی شعر او انجام شده است . شاید اوّلین مشکل یا فتن دیوان وی باشد . دیوان مَظلُوم خُنجِی ، به تصحیح زهرا خوشابی زاده و زهرا مستمندی در سال ۱۳۸۲ در هزار نسخه به چاپ رسیده و بعد از آن دیگر تجدید چاپ نشده و بسیار کمیاب است ؛ و هیچ گزیده ارزشمندی هم از این کتاب در بازار موجود نمی باشد . بنابراین ، لازم است تحقیقاتی در دیوان این شاعر بزرگ صورت پذیرد ؛ شاید ، در زمینه پژوهش های بعدی راهگشا باشد .

در دیوان این شاعر بزرگ ، نکات بدیع و بکری نهفته است – که اگر قدری بیشتر به آن پرداخته شود – باب تازه ای در ادبیات و تحقیقات ادبی گشوده است . چنانکه ، پژوهشگران را از رفتن به سمت موضوعات تکراری بی نیاز می کند . اگر چه این شاعر از نامدارترین شاعر زبان و ادبیات فارسی می باشند و تحقیقاتی نیز در مورد اشعار آنان صورت پذیرفته است . اما ، متأسفانه این پژوهش ها بسیار اندک بوده است ؛ و به ویژه در زمینه ی مورد تحقیق در این مقاله ؛ یعنی واکاوی آرایه های ادبی در اشعار مَظلُوم خُنجِی ، تاکنون تحقیق مستقلی انجام نپذیرفته است .

۵. اهداف

هدف اصلی از انجام این تحقیق ، واکاوی آرایه های ادبی و شناخت کارکرد های زیبا شناختی در اشعار مَظلُوم خُنجِی می باشد . از دیگر اهدا فی - که در این تحقیق دنبال می شود – می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. از آن جا - که مَظلُوم خُنجی ، با وجود ارزش ادبی ، اشعارشان چندان مورد التفات قرار نگرفته اند – سوق دادن محققان به سمت کشف جنبه های ادبی اشعار آنان ، از اهداف اصلی این پژوهش می باشد .

۲. تعیین بسامد آرایه های ادبی در دیوان شعر شاعر مورد بحث .

۶. بحث

۶,۱. زندگی نامه مَظلُوم خُنجِی

تاج الدین بن جعفر بن زین الدین بن محمود خُنجِی ، متخلص به مَظلُوم ، در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری ، در خانواده ای اهل علم و دین ، در خُنج لارستان - فارس به دنیا آمد . سال تولدش بر نگارنده معلوم نشد . اگر از برخی روایت های شفاهی بگذریم ؛ نخستین نشانه حیات وی ، تاریخ مرگ فرزند هشت ساله اش ، « جعفر » است ؛ که « مَظلُوم » در مرثیه ای تاریخ ۱۲۳۸ ه.ق را برای واقعه ذکر کرده است . از این روی می توان حدس زد – که در این زمان او در سنین میان سالی بوده است – و به احتمال قریب به یقین « مَظلُوم » در اوایل سده ی سیزدهم هجری قمری ، به دنیا آمده است .

باری ، چنانکه پیش از این آمده ، وی ، به خانواده ای اهل علم و دین منتسب است . در مرثیه ای که برای مرگ پدرش ، شیخ جعفر بن زین الدین ابونجمی سروده است . وی ، را چنین معرفی می کند :

شیخ جعفر ، شاب مغفور جوان ابن زین الدین سر افراز کرام
از ابونجمی بُدش اصل و نسب هم ذَویٌ القدر بود و هم عِظام
مسکن مألوف او در خُنج بود از مشایخ مرتب و عالی مقام
بُد مزکّی طینت و والا تبار هم ذَویٌ الجود و هم ذو الاحترام (مَظلُوم ،۱۳۸۲:۵)

مَظلُوم ، عاشقی دلسوخته و عارفی وارسته است . وی ، آئین عشق را در درگاه جانانه آموخته و دفتر زهد و ریا را در آتش این عشق سوخته است .

برو ای زاهد خود بین که ا کنون مرا ارشاد از پیر مغان است

مَظلُوم ، کتاب ارشاد را در محضر پیر مغان خوانده است ؛ و از این روست – که وجه الله را در هر کِسوتی به دیده دل می بیند و شراب معنوی را از کف سا قی مینوی می گیرد :

آرزومندم به جامی از شراب معنوی سا قیا برخیز و پر کن دم به دم پیمانه ام
مست جام باده عشقم تو هشیارم مخوان گر چه از عقل و خرد دورم ، ولی فرزانه ام
کعبه و دیر و کلیسا و کنشت و سومنات از همه روی تو بینم نه چو آن بیگانه ام (مَظلُوم ،۹:۱۳۸۲)

مَظلُوم ، در بند ظواهر نیست . او را چنان وسعت دیدی است ، که کفر و دین هر دو راه پویان دوست می بیند اما ، اگر خواسته باشیم از منظر درون دینی به افکار و عقاید مَظلُوم بنگریم ؛ او را مسلمان زاده ای شا فعی مذهب می یا بیم .چنانکه، در غزلی ضمن بیان احوال عشق ، امام شا فعی را « مخزن الاسرار » احکام فقهی می داند :

مسائل چندم اندر دل ز رمز عاشقی باشد روید از شا فعی پرسید اسرار مسا ئل ها

توصیفات مَظلُوم خُنجِی ، در ستایش پیامبر گرامی اسلام ، فا طمه الزهرا و امامان دوازده گانه شیعه(ع) از نمونه -های کم نظیر ادبیات دینی است .

تاریخ و فات مَظلُوم خُنجِی ، نیز مانند تولدش مستند نیست . منابع شفاهی سال ۱۲۷۷ ه.ق را تاریخ فوت او تعیین کرده اند.

۶,۲. بدیع لفظی

به ابزاری که جنبهٔ لفظی دارند و موسیقی کلام را از طریق روابط آوایی ایجاد و یا افزون می کنند، صنعت لفظی می گویند. « در این شاخه ،هدف این است که متوجه شویم ، گاهی انسجام کلام ادبی بر اثر روابط متعدد آوایی و موسیقایی بین کلمات است، یعنی آن رشتهٔ نامرئی که کلمات را به هم گره می زند و با فت ادبی را بوجود می آورد، ماهیت آوایی و موسیقایی دارد.» (شمیسا ، ۱۳:۱۳۶۸)

۶,۲,۱. تکرار

یکی از نشانه ها و اصول زیبایی در هنر تکرار است . « تکرار در هنر ، بسیار شایع است ؛ و کمتر اثر هنری را می توان یا فت ، که اجزای نزدیک و دور آن تکرار نشود . » (غریب ،۳۵:۱۳۸۷) به کارگیری اصل تکرار همچون اصول دیگر زیبایی ؛ از جمله هماهنگی ،تناسب ، توازن و . . . سبب ساماندهی ، وحدت و تأثیر گذاری اثر هنری می شود .

سواد زلف آن مه ، روی چین است به چین سنبلش چین و مچین است (مَظلُوم، ۷۸:۱۳۸۲)

***

ای مه سیمین بدن یاران به یاران این کنند دوستان دیدی گهی با دوست داران این کنند (همان : ۱۰۴)

۶،۲،۲. واج آرایی

یکی از گونه های موسیقی درونی تکرار و همسانی صامت و مصوت ها است . چنانکه ، در بعضی موارد با ایجاد موسیقی داخلی خاص سبب برجسته سازی ابیات و عبارت ها می شود . همچنین ، به القای پیام و لذّت در مخاطب مدد می رساند . این همسانی انواع مختلفی دارد . گاه به طور منظّم در صامت ها و مصوت های آغازین کلمات است . گاهی ، به طور پراکنده در صامت ها و مصوت های میانی و پایانی واژه هاست . به تجبّر به تکبر به تختر به فریب به تبسّم به تکلّم به دو صد ناز آمد (مَظلُوم ، ۱۰۰:۱۳۸۲)

***

جام میم دهید ، دمادم به سر کشم دستم به طوق گردن آن ماهرو کنید (همان :۱۰۸)

***

تا کی دوری گزینم از درت این تن عریان من بین المغیث (همان :۸۴)

۶،۲،۳. جناس

روش تجنیس یا جناس یا همجنس سازی یکی دیگر از روش هایی است که در سطح کلمات یا جملات ، هماهنگی و موسیقی به وجود می آورد . «روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هر چه بیشتر واک هاست ؛ به طوری که کلمات همجنس به نظر آیند ؛ یا همجنس بودن آن ها به ذهن متبادر شود . »(شمیسا ، ۵۳:۱۳۶۸)

همه از ذوق تو پستند چه اعلا و چه دون همه از شوق تو مستند سما تا به سمک (مَظلُوم،۱۹۱:۱۳۸۲)

جناس نا قص اختلا فی (سما – سمک)

از غم سودای زلفش بخت من گشته سیاه چون سواد زلف او هم تار و مار افتاده است (همان :۵۱)

۶،۲،۳،۱. جناس تام

«لفظ (مجموعه ی صامت ها و مصوت ها) یکی باشد و معنی مختلف ؛ یعنی اتحاد در واک ها و اختلاف در معنی باشد .»(شمیسا،۵۳:۱۳۶۸)

مه مستور بد خویی بت چین چین به گیسویی ز چشم فتنه انگیزش دل من شد گرفتارش (همان :۱۵۶)

واژه ی چین مصداقی از جناس تام است . چون ، چین اول به معنی اسم مکان و چین دوم به معنی شکن زلف است .

نماز و روزه و حج ، شاخ و برگ ایمان ست سعادت دو جهان در جهان بود اخلاص (همان : ۱۶۶)

واژه ی جهان مصداقی دیگر از جناس تام است ؛ زیرا ، جهان اول به معنی دنیا و آخرت ؛ جهان دوم به معنی دنیا است .

۶،۲،۳،۲. جناس ناقص حرکتی

جناس نا قص که آن را جناس مُحرّف می گویند . « آن است ، ارکان جناس در حروف یکی و در حرکت مختلف باشند .» (همایی،۱۳۸۹:۵۰)

به صبح و شام منادی کند ملک به فلک فتوح گنج **جَنان** و **جِنان** بود اخلاص (همان :۱۶۶)

۶،۲،۴. سجع

سجع در اصطلاح آن است – که نویسنده یا گوینده در کلام خود کلماتی آورد – در وزن یا حرف آخر یا هر دو متفق باشند . سجع بر سه قسم است : سجع متوازی ، سجع مطرف ، سجع متوازن .

۶،۲،۴،۱. سجع متوازی

یکی از مهم ترین، زیباترین و پرکاربردترین نوع سجع است . عبارتند از « کلمات در وزن و حرف رویّ هر دو مطابق باشند»(همایی،۱۳۸۹:۴۲) به عبارت دیگر ، «حروف آخر که از آن به «روی» تعبیر می شود و « وزن » . هماهنگی دو عامل وجود داشت » (خرقانی ، ۱۳۹۰:۳) سجع متوازی نام دارد .

نیامد خود به بالین یارم امشب به مردن می رساندکارم امشب ببین ای دوست حال زارم امشب مکن زین بیشتر آزارم امشب (همان : ۴۳)

۶،۲،۴،۲. سجع مطرف

نوعی دیگر از سجع ، سجع مطرف است . آن است « الفاظ در حرف رویّ یکی و در وزن مختلف باشند » (همایی،۱۳۸۹:۴۲) علت نام گذاری این گونه ی هنری به مطرف این است « ارزش موسیقایی آن ، در کناره ها با حروف پایانی نهفته است. » (به رقم ، ۱۳۹۳:۵)

نیامد خود به بالین یارم امشب بشد خون این دل افکارم امشب (مَظلُوم ، ۱۳۸۲ :۵۰)

۶،۳. بدیع معنوی

۶،۳،۱. مراعات نظیر

در این روش بین کلمات ، تناسب معانی ایجاد می کنند . صنایعی که ژرف ساخت آن ها تناسب معنایی بین اجزا کلام است . «آن است - که در سخن اموری را بیاورند- در معنی با یکدیگر متناسب باشند ؛خواه تناسب آن ها ، از جهت همجنس بودن باشد . » (همایی، ۱۳۸۹:۲۵۷)

شکسته کشتیم در بحر عشقت بی سر و سامان کجا آن زورق معنی که رو بدهد به ساحل ها (همان : غزل ۱)

***

مطرب نوائی ساز کن صوت حُدی آغاز کن در عود و دف آواز کن ، از من ببر آرام را (همان :غزل ۴)

***

به بحر عشق غرقابم اسیر موج طو فانم از این دریای بی پایان نمی بینیم ساحل ها (همان : غزل ۳)

۶،۳،۲. تضاد

نیست کار سرسری در عشق بازی ای عزیز پخته شو بگذار خامی دور کن از سر هوس (همان :۱۵۰)

***

و اله و حیران شدم از روی مهر آرای تو محو گشتم ، من شدم مجنون و این باشد صریح (همان:۹۱)

***

غمگسار همدگر بودیم در شادی و غم خود بده انصاف کین با غمگساران این کنند (همان :۱۰۴)

۶،۳،۳. کنایه

در دیوان شعری مَظلُوم ، کنایه های فراوانی وجود دارد . کنایه ، در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است . « در اصطلاح سخنی است – که دارای دو معنی قریب و بعید باشد – و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند . پس ، گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد ، که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد.» (همایی ، ۱۳۸۹: ۲۵۵-۲۵۶)

عزم کردن ز پی لعل لبش یک بوسه خال هندویش به یک باره عنان گیرم کرد (همان :۱۲۲)

کنایه از : متوقف کردن

دلا مکن تو ا قامت در این رباط دو در روانه شو چو توئی زین سرا چه ، خود سیاح (مَظلُوم ،۱۳۸۲ :۹۰)

کنایه : دنیا

۶،۳،۴. ایهام

به ستم می کشی از دوست چرا مظلومت هیچت اندیشه از آن نیست که فردایی هست (همان : ۷۴)

مظلوم ۱. ستم دیده ۲. خود شاعر

خرّم دل آن کسی که مدام از وصال یار هر روز و هر شبی دو سه جامی حواله هست (همان :۷۵)

مدام ۱. همیشه ۲. شراب

۶،۳،۵. حسن تعلیل

ز سواد طره زلف چو به مشک چین خبری رسد بشود ز غیرت آن سیاه و ز بوی آن اثری رسد (همان : ۱۱۶)

مصراع دوم علتی برای مصراع اول است ؛ زیرا ، سیا هی و خوشبویی است .

۷. نتیجه گیری

با بررسی اشعار تاج الدین محمو خُنجِی ، در می یابیم – که آرایه های بدیعی (لفظی و معنوی) نقش بسزایی را در ایجاد تصویر ها و زیبایی های کلام وی داشته است – و این اشعار به صورت کاربردی می تواند مورد نظر دانشجویان جهت تحقیق و پژوهش در دانش بدیع قرار گیرد .

از میان صنایع به کار رفته در دیوان اشعار دو آرایه مراعات نظیر و جناس از جهت بسامد و زیبایی در صورت و مفهوم قابل تأمل و اهمیت است . ضمن اینکه ، صرف نظر از آرایه های نام برده شده آرایه های دیگر به کار رفته در دیوان اشعار به اقتضای ذهن و زبان شاعر ، و مقتضیات ایجاد شعر (غزل) نیز قابل بررسی است .

آنچه مسلّم است ، بر اساس آن چه قید گردید پردازش شاعر به دانش بدیع و زیبا شناسانه لفظی و معنوی نسبت به دانش بیان و برخی عناصر بیانی و معانی در اولویت بوده است . به عبارت دیگر ، می توان این مقوله را علوه بر دیدگاه های هنری و زیبا شناختی آن در مباحث سبک شناسی نیز کاوید و بررسی است .

۸. پی نوشت

۱. از نظر استاد محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر ، موسیقی بیرونی شعر وزن عروضی است و موسیقی داخلی (درونی) مجموعه هماهنگی هایی که از طریق وحدت یا تضاد صامت ها و مصوت های کلمات یک شعر پدید می آید و انواع جناس ها یکی از جلوه های آن است . (شفیعی کدکنی ،۱۳۷۹: ۳۳۲- ۳۰۵)

۲. موسیقی معنوی نیز از نظر ایشان همه ارتباط های پنهان عناصر یک مصرع که از رهگذر انواع تضاد ها و طباق ها و تقابل ها پدید می آید ؛ همچنین ، تکرار مایه اصلی – تم- شعر به صورت ها – واریاسیون های گوناگون . (همان : ۳۰۵)

منابع

- به رقم ، نعمت اله (۱۳۹۳) ، ***ویژگی های موسیقایی سجع در نهج البلاغه*** ، پژوهشنامه نهج البلاغه ، شماره ۶ .

- خرقانی ، حسن (۱۳۹۰) ، « ***فراهنجار های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معنا شناسانه آن*** » ، مطالعات اسلامی- علوم قرآن حدیث ، شماره ۸۷/۳، ص ۱۳۶-۱۰۹ .

- شفیعی کدکنی ، محمد رضا ، (۱۳۷۹) ، ***موسیقی شعر*** ، تهران ، آگاه ، چاپ ششم .

- شمیسا ، سیروس (۱۳۶۸) ، ***نگاه تازه به بدیع*** ، تهران ، فردوس .

- غریب ، رُز (۱۳۷۸) ، ***نقد بر مبنای زیبا شناسی*** ، ترجمه نجمه رجایی ، مشهد ، نشر دانشگاه فردوسی .

- مَظلُوم خُنجِی ، تاج الدین محمود (۱۳۸۲) ، ***دیوان مَظلوم خُنجی*** ، ترجمه و تصحیح زهرا خوشابی زاده و زهرا مستمندی ، تهران ، نشر قلم ، چاپ اول .

- همایی ، جلال الدین (۱۳۸۹) ، ***فنون بلاغت و صناعات ادبی*** ، تهران ، هُما ، چاپ سی ام .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی